

## مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» در ترازوی نقد

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، مریم حاتمی فرد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه خرمشهر، طلبه سطح دو (کارشناسی)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه حضرت فاطمه معصومه (س)، اهواز

### چکیده

«مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» عنوان کتابی است که به خامه خانم دکتر مهدیه محمدتقی زاده، و توسط نشر مجد، و در سال ۱۳۹۶ ش. به زیور طبع آراسته شده است. اگرچه بحث «تغییر جنسیت» یک پدیده نوظهور و جدید محسوب می‌شود، ولی در این باره کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های فراوانی نگاشته شده است. البته کتاب مورد بررسی، از این جهت که نویسنده محترم تلاش می‌کند که هم «مبانی فقهی» و هم «مبانی حقوقی» جواز تغییر جنسیت را بررسی کند، و نیز این پدیده نوظهور را از نقطه نظر «جواز تغییر جنسیت» مورد توجه قرار دهد، حائز اهمیت است. برخی مباحث مهم این کتاب از این قرار است: «معناشناسی واژگان تغییر جنسیت»، «سبب شناسی علمی در تغییر جنسیت»، «خاستگاه تغییر جنسیت در اجتهاد شیعی»، «جایگاه تغییر جنسیت در نصوص دینی»، «تعریف تغییر جنسیت»، «سبب شناسی تغییر جنسیت در علم پزشکی و روانشناسی»، «سبب شناسی تغییر جنسیت در اندیشه‌های اجتماعی»، «مقاصد شرعی و نقش آن در اوامر و نواهی»، و «بررسی علت و ملاک در کشف حکم». توجه به برخی نکات شکلی و محتوایی که در ادامه خواهد آمد، می‌تواند ارزش‌ها و محاسن این تلاش علمی را بیشتر کند.

**واژه‌های کلیدی:** تغییر جنسیت، خنثی‌ها، دوجنسی‌ها، ترانس سکشوال، مسائل مستحدثه

## مقدمه

تغییر جنسیت از مسائل پزشکی در عصر حاضر است که این پدیده، به مدد پیشرفت روزافزون دانش پزشکی و در پرتو عمل جراحی روی آلت تناسلی محقق می شود. این امر، علاوه بر تبدیل جنس فرد، زندگی حقوقی و فقهی وی را متحول می سازد. در گذشته، این گونه عمل های جراحی وجود نداشت. از این جهت، آن را از «مسائل مستحدثه» یا «مباحث نوظهور» می دانند.

«تغییر جنسیت» عبارت است از: تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر یا از خنثی به مذکر یا مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۷). اگرچه مباحثی مانند: خنثی ها و مبدل پوش ها در فقه اسلامی دارای سابقه است، ولی برای بحث تغییر جنسیت سابقه طولانی نمی توان یافت، (کریمی نیا، ۱۳۹۵، الف: ۱۰۵). تغییر جنسیت زمینه ساز پرسش های فراوان فقهی و حقوقی است. در گذشته تغییر جنسیت، غیرممکن تلقی می شد، اما در دهه های اخیر، هزاران تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران به وقوع پیوسته است، که نه تنها فقهای شیعه، بلکه دانشمندان اهل سنت و مسیحی را هم درگیر کرده است.

برخی پرسش های مربوط به پدیده نوظهور تغییر جنسیت، از این قرار است: ۱. آیا تغییر جنسیت، جایز است؟ ۲. چنان چه یکی از زوجین یا هر دو، به جنس مخالف تبدیل شوند، آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی است، یا آن که آن دو، خود به خود از یکدیگر جدا می شوند، یا آن که برای جدایی از هم، لازم است عاملی مانند: طلاق و فسخ پدید آید؟ ۳. چنان چه زن، پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، آیا می تواند مهریه ازدواج پیشین را مطالبه نماید؟ ۴. نیز چنان چه، مرد تغییر جنسیت دهد، آیا موظف به دادن مهریه ازدواج پیشین می باشد یا نه؟ ۵. چنان چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن جنسیت خویش را تبدیل نماید، آیا در مورد نفقه زوجه تغییری حاصل می شود؟ ۶. چنان چه، مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست می دهد؟ ۷. چنان چه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، می تواند ولایت و سرپرستی کودکان را به دست آورد؟ ۸. آیا ارث، پس از تغییر جنسیت تغییر می کند؟ چنان چه، پسر تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل گردد، سهم الارث او چه مقدار است؟ آیا سهم او براساس جنسیت فعلی او است، یا بر طبق جنسیت سابق سهم الارث دریافت می کند؟ همین پرسش در صورتی که دختر به پسر تبدیل گردد، نیز مطرح است، آیا سهم الارث او افزایش می یابد؟ ۹. هم چنین اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، آیا در میزان سهم الارث آنان از فرزند مرده خویش، تغییری پیش می آید؟ ۱۰. مسأله عناوین خانوادگی؛ مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو، دایی و خاله پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی پیدا می کند؟ (همان).

هر گاه از «تاریخچه تغییر جنسیت در ایران» سخن به میان می آید، به فتوای امام خمینی که در سال ۱۳۶۴ ش. صادر شده است، به عنوان «سر آغاز بحث فقهی تغییر جنسیت» در ایران اشاره می شود، در حالی که ۲۲ سال قبل از این تاریخ، یعنی در سال ۱۳۴۴ ش. امام خمینی با صراحت تمام، مسأله «عدم حرمت تغییر جنسیت» و برخی مسائل دیگر مربوط به این پدیده نوظهور را در کتاب «تحریرالوسیله» مطرح نموده بودند. دیدگاه امام خمینی، سر آغاز مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در جهان است و قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است. مسائل دهگانه ای که امام

خمینی در این کتاب در باره تغییر جنسیت بیان کرده است، مهم ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران بوده است، (همان).

در سال های اخیر و به دنبال فتاوا و آثار فقها و مراجع تقلید شیعه کتاب ها، پایان نامه ها و مقاله های گوناگونی به رشته تحریر درآمده است که یکی از این کتاب ها، کتاب: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» است که به قلم خانم دکتر مهدیه محمد تقی زاده و توسط انتشارات مجد و در سال ۱۳۹۶ ش. به زیور طبع آراسته گشته است که اثری قابل استفاده است. در ادامه، مباحث کتاب شناختی، هدف و انگیزه، محورهای اصلی کتاب و بیان برخی نکات شکلی و محتوایی در ارتقا این اثر خواهد آمد.

## ۱. کتاب شناسی

کتاب: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت»، به صورت تک جلد، در ۲۳۷ صفحه، در قطع وزیری، در سال ۱۳۹۶ ش. به زیور طبع آراسته شده است که تیراژ اسمی آن پانصد نسخه بوده و به قیمت هیجده هزار تومان عرضه شده است. عنوان کتاب به دو رنگ آمده: «مبانی فقهی و حقوقی» با رنگ سفید، در پیش زمینه مشکی؛ و عبارت: «جواز تغییر جنسیت» با رنگ زرد با پیش زمینه مشکی خودنمایی می کند.

در روی جلد، دو تصویر مشاهده می شود که در سمت راست آن، تصویر مبهم از یک ساختمان چند طبقه است و در تصویر سمت چپ، یک ترازو وجود دارد که در کنار آن، یک چکش بوده که روی چند جلد کتاب قرار دارد. در پایین صفحه، نام ناشر با عنوان: «مجمع علمی و فرهنگی مجد» همراه با آرم این ناشر ثبت شده است.

در پشت جلد نیز همین دو تصویر خودنمایی می کند که البته در بالای صفحه این عبارت درج شده است: «ناشر نمونه سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ جمهوری اسلامی ایران». ضمناً نام کتاب به زبان انگلیسی این گونه آمده است:

Jurisprudential Legal Foundations For Permission Of Gender Change

## ۲. نویسنده اثر

نویسنده فارغ التحصیل دانشگاه تربیت مدرس می باشد. وی مشخص نمی کند که آیا اثر چاپ شده از ایشان، رساله دکتری ایشان است یا نه؛ ولی در مقدمه این کتاب، از خانم دکتر عزت السادات میرخانی به دلیل: «راهنمایی های عالمانه و ارزشمند ... کمال تشکر و قدردانی» را ابراز می کند. به نظر می رسد کتاب حاضر رساله دکتری ایشان در دانشگاه تربیت مدرس در رشته مطالعات زنان، گروه آموزشی علوم انسانی، باشد.

نویسنده در سال ۱۳۹۴ ش. به عنوان دانشجوی نمونه کشوری انتخاب شده و همان سال از دانشگاه تربیت مدرس، لوح تقدیر و جایزه دریافت نموده است، (سایت دانشگاه تربیت مدرس، به آدرس:

<http://www.modares.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۱۹&pageid=۵۹۱۵&newsview=۲۳۶۶>).

نویسنده دارای تألیفاتی است که در ادامه آورده می شود.

## ۲-۱. کتاب ها

با توجه به اطلاعات به دست آمده، کتاب مورد گفتگو در این مقاله، تنها کتاب نویسنده محترم تا این تاریخ است. البته مقاله ای هم همنام با این کتاب توسط نویسنده در سال ۱۳۹۰ش به چاپ رسیده بود که گزارش آن مقاله در قسمت: «مقالات» خواهد آمد.

## ۲-۲. مقالات

بر اساس اطلاعاتی که از منابع اینترنتی به دست آمده، برخی مقالات نویسنده محترم از این قرار است؛ البته با این توضیح که بیشتر این مقاله ها به صورت مشترک با سایر نویسندگان به نگارش درآمده است:

- مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت
- باروری های پزشکی و بررسی مبانی فقهی و حقوقی آن با تأکید بر ضرورت تأمین مصالح شریعت
- واکاوی علل انحراف امت اسلام در خطبه حضرت زهرا(س)
- بسترهای تقنینی و اجرایی تأمین اجتماعی زنان بی سرپرست و بدسرپرست
- اصل مصلحت در نظام قانونگذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده با رویکردی به اندیشه های امام خمینی(س)
- مبانی فقهی- حقوقی اصول و سیاست های حمایت از زنان بی سرپرست و بدسرپرست با رویکردی بر اندیشه های امام خمینی(س)
- آسیب شناسی مسأله تعدد زوجات در حقوق و رویه قضایی ایران
- واکاوی وظایف حکومت در قبال خانواده (با محوریت مختصات حاکمیت حق مدار علوی)

## ۳. جامعه مخاطبان

مخاطب اصلی این کتاب، دانشجویان و اساتید دانشگاه، بویژه دانشجویان حقوق و فقه و مبانی هستند که مایلند در خصوص مباحث فقه پزشکی موضوعات نوپیدا، اطلاعاتی کسب کنند. مخاطب دیگر این اثر، عموم مردم و افراد تحصیل کرده می باشند که علاقمند به موضوع تغییر جنسیت می باشند. نیز بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی، اعم از دوجنسی ها و تراجنسیتی ها می توانند از مباحث فقهی و حقوقی این کتاب بهره ببرند. پزشکان، روان پزشکان و پرستارها، همچنین نیروی انتظامی و قضات دادگستری از دیگر مخاطبان این اثر می باشند.

## ۴. هدف و انگیزه از انتشار کتاب

نویسنده در باره انگیزه انتشار کتاب می گوید: «از آن جا که دین مبین اسلام، راه حل خلأهای موجود در زندگی افراد را القاء تفکرات دین گریز و تعصبی و نامتعادل نمی داند، در مسأله مزبور راه حل تغییر جنسیت را راه حل عمومی و مشروع ندانسته، مگر در موارد ضرورت و بر حسب مصلحت. لذا در این کار تحقیقی، سعی بر آن بوده است که ضرورت اهتمام و تدقیق در این مسأله را بیش از پیش آشکار سازم و اندیشه های اسلامی را در خصوص موضوع مطرح شده بیان دارم»، (محمد تقی زاده، ۱۳۹۶، ۱۳).

و در جای دیگر می گوید: «از آن جا که مسأله تغییر جنسیت از امور نوپای علم پزشکی می باشد، با خاطر نشان کردن این موضوع که در مورد حقوق و تکالیف افراد دوجنسی و اختلال هویت جنسی با فقدان جایگاه خاص قانونی و عدم ارائه و طبقه بندی معیارهای شناخت این افراد مواجهیم، لزوم تصریح به حقوق و تکالیف این افراد در فقه ما آشکار می شود و فقه شیعی نیز که عهده دار اداره امور زندگی بشر است، می بایست پاسخ های متناسب را مرتبط با موضوع مطرح کند. پاسخ به وضعیت حقوقی و احکام فقهی این افراد بر عهده اندیشمندان دین است تا با تنقیح عالمانه مباحث مرتبط با این مکلفان را مورد ارزیابی دقیق علمی قرار داده و پاسخ های مناسب و جامع را در زمینه های مختلف مرتبط با آنان مطرح کنند تا وضعیت حقوقی و احکام فقهی فرد مکلف، قبل و بعد از انجام عمل تغییر جنسیت مشخص شود»، (همان، ۱۳-۱۴).

در ادامه، نویسنده محترم چنین می گوید: «بنابراین استفاده از متون و منابع فقهی و کشفیات علمی و ملاحظه حقوق و تکالیف در جنس زن و مرد، شناسایی این افراد و سپس تعیین وضعیت حقوقی و احکام فقهی آنان از مهم ترین اهداف این کتاب است»، (همان، ۱۴).

با توجه به تصریحات فوق، هدف از تألیف و انتشار این اثر، عبارت است از: ۱. بیان اندیشه اسلامی در موضوع تغییر جنسیت؛ ۲. تصریح به حقوق و تکالیف افراد دوجنسی و اختلال هویت جنسی؛ مخصوصاً از آن جهت که: «با فقدان جایگاه خاص قانونی و عدم ارائه و طبقه بندی معیارهای شناخت این افراد مواجهیم»، (همان، ۱۳)؛ ۳. بیان حقوق و تکالیف دو جنس زن و مرد؛ ۴. شناسایی افراد دوجنسی و بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی؛ ۵. تعیین وضعیت حقوقی و احکام فقهی این افراد.

## ۵. محورهای اصلی کتاب

محورهای مورد بحث در این کتاب از این قرار است:

۱. بخش اول. کلیات  
این بخش شامل چند فصل است که عبارت است از: فصل نخست: معناشناسی واژگان تغییر جنسیت؛ فصل دوم: پیشینه تاریخی؛ فصل سوم: ضرورت زوجیت در نظام تکوین و تشریع.
۲. بخش دوم. سبب شناسی علمی در تغییر جنسیت  
این بخش نیز شامل چند فصل از این قرار است: فصل نخست: سبب شناسی تغییر جنسیت در علم پزشکی و روانشناسی؛ فصل دوم: سبب شناسی تغییر جنسیت در اندیشه های اجتماعی.
۳. بخش سوم. خاستگاه تغییر جنسیت در اجتهاد شیعی  
این بخش نیز شامل چند فصل از این قرار است: فصل نخست: مقاصد شرعی و نقش آن در اوامر و نواهی؛ فصل دوم: جایگاه مصلحت و مفسده در احکام شرعی؛ فصل سوم. بررسی علت و ملاک در کشف حکم؛ فصل چهارم: جایگاه ضرر و زیان و عسر و حرج در تغییر احکام؛ فصل پنجم: جایگاه سایر علوم در موضوع شناسی فقهی؛ فصل ششم: جایگاه دخالت در سیستم خلقت از منظر قواعد شرعی.
۴. بخش چهارم. جایگاه تغییر جنسیت در نصوص دینی  
این بخش نیز شامل چند فصل از این قرار است: فصل نخست: تغییر جنسیت از منظر آیات؛ فصل دوم: احکام مکلف قبل و بعد از تغییر جنسیت از منظر فقه و روایات؛ فصل سوم: تغییر جنسیت در منظر اندیشمندان مسلمان معاصر.

## ۶. اشکال های ظاهری کتاب

در ادامه تنها به برخی اشکال های ظاهری و شکلی این اثر می پردازیم:

### ۶-۱. تصویر روی جلد

تصویر روی جلد هیچ تناسبی با بحث کتاب یعنی: «تغییر جنسیت» ندارد؛ چه این که تصویر روی جلد شامل: یک ترازو و یک چکش روی چند جلد کتاب است و در کنار آن، تصویر مبهمی از یک ساختمان چند طبقه می باشد که به نظر می رسد که ساختمان دادگستری باشد. معادل و قرینه این دو تصویر، در پشت جلد آمده است.

### ۶-۲. عرضه این کتاب در چه سالی؟

از ابهام های کتاب، سال نشر این کتاب است؛ چه این که در صفحه مشخصات کتاب دو تاریخ درج شده است!! یک بار گفته شده: مشخصات نشر: تهران، مجد، ۱۳۹۴ش. و بار دیگر در همان صفحه آمده است: چاپ اول: ۱۳۹۶ش. البته با توجه به قرائن و شواهد می توان حدس زد که تاریخ دوم، اصح است.

### ۶-۳. کوتاه بودن مقدمه نویسنده محترم

مقدمه نویسنده کتاب برای این اثر، کوتاه بوده و قانع کننده نیست؛ چه این که مسأله تغییر جنسیت از مباحث مهم امروزی در فقه مسائل مستحدثه است که مقدمه کوتاه این اثر در تراز این بحث مهم فقه پزشکی نیست.

### ۶-۴. اشکال ها در نحوه ارجاع دهی

در قسمت پاورقی اشکال های متعددی به چشم می خورد که به دلیل کثرت آن، قابل چشم پوشی نیست و لازم است در چاپ های بعدی، مورد توجه نویسنده محترم و ناشر گرامی قرار گیرد. در ادامه، در پنج بند، توضیح بیشتری در اشکال های ارجاع دهی بیان می شود:

#### ۶-۴-۱. چگونگی درج شماره مربوط به پاورقی در متن

طبیعی است که هر گاه مطلبی از یک منبع نقل می شود، پس از نقل مطلب، چه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، شماره ای در متن درج شده، و آن گاه در پاورقی، منبع آن ذکر می گردد. نویسنده محترم به کرات، پس از ذکر یک عنوان، و قبل از نقل قول، شماره ای ذکر کرده است، (همان، ص ۱۷ به بعد). برای مثال، در تعریف واژه «تغییر» و «جنس» پس از درج شماره در کنار این دو واژه، آدرس منبع را در پاورقی آورده، و آن گاه مطلب منقول را ذکر نموده است!

نیز نویسنده محترم می گوید: «در لغت نامه دهخدا در تعریف خنثی آورده شده»، آن گاه شماره مربوط به پاورقی را ذکر کرده، و سپس مطلب منقول از لغت نامه دهخدا را بیان می کند! بدیهی است در تمام این گونه موارد، باید پس از نقل کامل مطلب، شماره مربوط به پاورقی ذکر شود.

#### ۶-۴-۲. ذکر ناقص منابع در پاورقی

برخی منابع ذکر شده، در پاورقی ها ناقص است. برای مثال آمده: کتاب «عناوین» که صحیح آن: «العناوین الفقهیه» است. در مواردی متعددی از کتاب «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق»، نگاشته محمد مهدی کریمی نیا استفاده شده، یا آدرس داده نشده، و یا تنها به نام ناقص کتاب بسنده شده و ذکر از صفحه آن نشده است! (همان، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۲).

۲۰۵). جالب این که مشخصات کتاب شناختی این کتاب، که مکرر از آن استفاده نموده، در فهرست منابع در آخر پایان نامه نیامده است.

### ۳-۴-۶. ذکر مطالب بدون ارجاع دهی

در موارد متعددی، مباحث و مطالبی از منابع متعدد ذکر شده که نویسنده محترم از ذکر منبع آن غفلت ورزیده است، (همان، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۴).

### ۴-۴-۶. عدم درج مشخصات کتاب در پاورقی

نویسنده محترم در مواردی پس از ذکر نام کتاب در پاورقی، مشخصات نشر را مانند: شهر، ناشر و سال چاپ را متذکر می شود و البته در مواردی، این رویه فراموش می شود. برای یک دست شدن مناسب است در کلیه موارد در پاورقی از ذکر مشخصات کتاب خودداری شود؛ چه این که این مشخصات، به طور کامل در فهرست منابع در آخر کتاب آورده می شود.

### ۵-۴-۶. اشکال های دیگر در ارجاع دهی (پاورقی ها)

در مواردی از مقاله ها (مجلات) مطلبی نقل شده، ولی نام مقاله و نام نویسنده نیامده است، (همان، ۱۳۳، ۱۳۵). گاه نام نویسنده و نام مجله آمده، ولی نام مقاله نیامده است، (همان، ۱۴۸). گاه شماره صفحه آمده، و جلد نیامده است؛ مانند نقل از کتاب جواهر الکلام، (همان، ۱۶۵). در موارد متعددی نام نویسنده اشتباه آمده، مانند: محمد تقی حسینی شیرازی، (همان، ۱۷۱)، که صحیح آن: «سید محمد حسینی شیرازی» است؛ البته در جای دیگر نام صحیح را ذکر کرده است، (همان، ۱۷۶، پاورقی ۳). گاه نام نویسنده متفاوت ذکر شده است. برای مثال، در یک پاورقی این گونه آمده: «زین الدین علی بن احمد، شهید ثانی، مسالک الافهام»، (همان، ۱۷۴)؛ و در پاورقی دو شماره بعد، در همان صفحه، این گونه آمده است: «شهید ثانی، مسالک الافهام»، (همان). گاه به جای مراجعه مستقیم به کتاب لمعه که در دسترس است، مطلبی را از لمعه، به نقل از کتاب: العناوین الفقهیه بیان می کند، (همان، ۱۷۴). در موارد متعددی فتاوی فقهی از مراجع تقلید ذکر شده است، ولی هیچ آدرسی برای آن بیان نمی کند، و تنها به ذکر نام مرجع تقلید در پاورقی اکتفا شده است، (همان، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۱). از اشکال های رایج در این کتاب، استفاده از منابع دست دوم و سوم است. برای مثال، بحث فقهی: «اقسام دوجنسی در علم فقه» را از پایان نامه کارشناسی ارشد نقل می کند! (همان، ۲۵).

## ۷. اشکالات ماهوی کتاب

در ادامه تنها به برخی اشکال های محتوایی و ماهوی این کتاب اشاره می شود:

### ۱-۷. عدم تعریف از اصطلاح: «مبانی»

عنوان کتاب: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» است. واژه «مبانی» از اصطلاحات کلیدی این پژوهش محسوب می شود که هیچ تعریفی از این اصطلاح مهم ارائه نشده است؛ در حالی که بیان مقصود از آن، در ادامه پژوهش تعیین کننده است. این که آیا منظور از «مبانی»، «چرایی احکام و فلسفه احکام» است، یا منظور از آن، «مستندات و مدارک احکام» است، در چگونگی بحث از تغییر جنسیت تعیین کننده است.

## ۷-۲. معنا شناسی «واژگان» تغییر جنسیت

نویسنده محترم در فصل نخست از بخش اول، چنین آورده است: «معنا شناسی واژگان تغییر جنسیت»، (محمدتقی زاده، ۱۳۹۶، ۱۷). کلمه: «واژگان» جمع «واژه» بوده و بنابراین خواننده انتظار دارد که نویسنده «واژه هایی» در باره تغییر جنسیت بیان کرده و پیرامون آن توضیح دهد؛ در حالی که این گونه نیست. وی در گفتار نخست، تعریف تغییر جنسیت را بیان می کند، و در گفتار دوم و سوم به تعریف لغوی و اصطلاحی «خنثی» و «دوجنسی ها» می پردازد. اگرچه بحث «خنثی» از مباحث مرتبط با «تغییر جنسیت» محسوب می شود، ولی نمی توان «خنثی» را از «واژگان تغییر جنسیت» در نظر گرفت. مناسب بود نویسنده محترم از این عبارت: «معنا شناسی واژگان تغییر جنسیت و کلمات مرتبط با آن» استفاده می کرد.

## ۷-۳. معنای اصطلاحی خنثی

نویسنده محترم چنین آورده: «تعریف لغوی و اصطلاحی خنثی»، (همان، ۱۹). آن گاه در ادامه، «خنثی در لغت فارسی»، «خنثی در لغت عربی» و «خنثی در لغت انگلیسی» بیان کرده است. با توجه به عنوان بیان شده، شایسته بود «تعریف اصطلاحی خنثی» را از نظر فقه امامیه و حقوق ایران بیان می کرد. حتی نظر فقه اهل سنت در این باره به خوانندگان ارائه می گردید، در حالی که این اتفاق نیفتاده است.

نویسنده اثر در گفتار بعدی، یعنی گفتار سوم (همان، ص ۲۳) «معنا شناسی خنثی در علم فقه» را آورده است. شایسته بود این بررسی، در ادامه گفتار قبل، یعنی گفتار دوم بیان می شد.

## ۷-۴. خنثی در اصطلاح حقوق

اشکال دیگر آن که «خنثی از نظر حقوق ایران» مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به عنوان کتاب، یعنی: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت»، مناسب آن بود این واژه از نظر حقوق ایران، تبیین می شد.

## ۷-۵. معنا شناسی تغییر جنسیت در علم پزشکی و روانشناسی

نویسنده این کتاب چنین آورده است: «معنا شناسی تغییر جنسیت در علم پزشکی و روانشناسی»، (همان، ۳۱). لازمه این عنوان، توضیح تغییر جنسیت در «اصطلاح پزشکی و روانشناسی» است؛ در حالی که این اتفاق نیفتاده، بلکه در عوض، «دوجنسی» و «هرمافرودیت ها» مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۷-۶. پیشینه تاریخی

نویسنده این اثر، بحثی تحت عنوان: «پیشینه تاریخی» ذکر می کند، (همان، ۴۰). ولی مشخص نمی کند که پیشینه تاریخی چه موضوعی مورد توجه ایشان است. آیا «پیشینه تاریخی تغییر جنسیت» یا «پیشینه جواز تغییر جنسیت» یا «پیشینه تاریخی خنثی ها و تراجنسیتی ها».

وی در این قسمت، بدون وجود یک نظم منطقی، مباحث مختلف و بدون ارتباطی در باره: دگرجنس باوری، اختلال هویت جنسی، بریدن آلت تناسلی و نیز آمار و ارقام هایی در باره متقاضیان تغییر جنسیت در ایران بیان داشته است؛ درحالی که با توجه به عنوان کتاب، می بایستی «پیشینه تاریخی بحث جواز تغییر جنسیت» را بیان می کرد. به عبارت دیگر، با توجه به عنوان کتاب؛ یعنی: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» لازم است رویکرد تاریخی «مسأله جواز تغییر جنسیت» را



نمایان می ساخت و روشن می ساخت کدام فقیه برای اولین بار، بحث «جواز تغییر جنسیت» را مطرح ساخته است و فقیهان بعدی که «جواز تغییر جنسیت» را قبول داشتند، چه کسانی اند.

#### ۷-۷. زوجیت در نظام تکوین و تشریع

نویسنده محترم بحث «زوجیت در نظام تکوین و تشریع» را مطرح ساخته و «اصل زوجیت» را به عنوان یکی از «اصول پنج گانه حاکم بر خلقت» بیان می دارد، (همان، ۵۰ - ۵۱). و در ادامه، با استناد به حدود هشت آیه «وجود زوجیت را در خلقت» را نتیجه می گیرد. البته این امر مورد پذیرش راقم این سطور است، ولی نویسنده محترم هیچ سخنی در باره «زوجیت در نظام تشریع» بیان نمی کند و منظور از «زوجیت در نظام تشریع» برای خواننده مبهم باقی گذاشته شده است.

#### ۷-۸. عدم تطابق محتوای کتاب با عنوان کتاب

نگاهی به عنوان کتاب؛ یعنی: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» می رساند که محور اصلی این کتاب، بیان «مبانی فقهی و حقوقی» است؛ و ثانیاً بنابر آن است که از سوی نویسنده محترم، مبانی فقهی و حقوقی «جواز تغییر جنسیت» بیان گردد. پیشتر گفته شد که نویسنده محترم هیچ توضیحی در باره «مبانی» و منظور خود از این اصطلاح مهم نمی دهد. حداقل دو معنا برای اصطلاح «مبانی» بیان شده است: ۱. «مبانی» به معنای «چرایی حکم»؛ ۲. «مبانی» به معنای «مستندات و ادله حکم». مناسب در این کتاب، معنای دوم است؛ یعنی لازم است نویسنده محترم، در این اثر، «مستندات و ادله حکم جواز تغییر جنسیت» را بیان دارد. در بحث «جواز تغییر جنسیت» حداقل شش دلیل اقامه شده است، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۴۵ - ۲۵۵). که اساساً این امر؛ یعنی بررسی «مستندات و ادله جواز تغییر جنسیت» مورد غفلت قرار گرفته است.

#### ۷-۹. امام خمینی مبتکر بحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت

مرحوم امام خمینی اولین فقیه اسلامی است که دیدگاه «جواز تغییر جنسیت» را بیان داشته است، (خمینی، ۱۳۶۶، ۵۵۸/۲). وی در سال ۱۳۴۴ ش. و در جلد دوم کتاب نامور «تحریر الوسیله» با صراحت دیدگاه «جواز تغییر جنسیت» را برمی گزیند. وی می گوید: «ظاهر آن است که تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد، و نیز تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث، حرام نیست»، (همان). تعبیر «حرام نیست» (لَا یَحْرُم) که در کلام امام خمینی آمده است، بیان دیگری از «جواز تغییر جنسیت» است.

امام خمینی پس از ورد به ایران، با صدور فتوای جدید، فصل جدیدی در این باره گشود. فردی به نام «فریدون» که بعداً با تغییر جنسیت، نام «مریم خاتون ملک آرا» را برگزید، در سال ۱۳۵۶ ش. یعنی یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نامه‌ای به امام خمینی نوشت و بیماری «اختلال هویت جنسی» خود را برای وی توضیح داد و حتی در سال ۱۳۵۷ ش. به فرانسه محل اقامت امام خمینی رفته و از ایشان خواهان دریافت مجوز شرعی برای تغییر جنسیت شد، ولی به دلیل شرایط حاد انقلاب اسلامی، قضیه مسکوت ماند. فریدون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و از طریق برخی مسئولین عالی رتبه نظام، به محضر امام خمینی رسیده و بار دیگر شرح ماجرای خود را بیان داشت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت نمود و دفتر امام خمینی در سال ۱۳۶۴ ش. این فتوا را برای وی صادر کرد:

«بسمه تعالی، تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده‌اید، امید است مراعات حال شما را بکنند» (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۲۰).

پیش از امام خمینی، هیچ فقهی مسأله «جواز تغییر جنسیت» را مطرح نداشت، بلکه بر اساس اطلاعات و شواهد موجود، قبل از امام خمینی، مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، توسط هیچ فقیه یا حقوقدانی مطرح نشده بود. از این رو، امام خمینی مبتکر مباحث فقهی تغییر جنسیت است. پس از امام خمینی، حدود ده نفر از مجتهدان و فقیهان شیعه، که عمدتاً از شاگردان مرحوم امام خمینی هستند، نیز همین دیدگاه یعنی «جواز تغییر جنسیت» را برگزیدند.

مطلب فوق، مورد بی توجهی نویسنده کتاب مورد بررسی، قرار گرفته است.

#### ۷-۱۰. مخالفان دیدگاه جواز تغییر جنسیت

مطالب پیش گفته در مورد نظر امام خمینی و شاگردان وی در بحث «جواز تغییر جنسیت»، بدان معنا نیست که همه فقیهان معاصر شیعه به «جواز تغییر جنسیت» معتقدند؛ چه این که کم نیستند فقیهان نامور شیعه که از نظر آنان، عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، بویژه در مورد افراد ترانس (ترانجسیتی) که دارای اختلال هویت جنسی هستند، جایز نیست. البته برخی مراجع معاصر شیعه در مورد عمل جراحی دوجنسی کامل، قائل به وجوب هستند. از نظر آنان هر گاه دوجنسی کامل، یا خنثای مشکل دارای توانایی و شرایط لازم باشند، واجب است که تغییر جنسیت دهند، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۱۵۹) (دیدگاه آیت الله تبریزی؛ مکارم، ۱۳۷۹، ۴۷۰/۱؛ منتظری، ۱۴۱۷، ۱۱۳).

همچنین فقیهان اهل سنت تماماً به حرمت تغییر جنسیت در افراد ترانس معتقدند، (الجیزانی، ۲۰۰۸م، ۹۶/۴ - ۹۷). اگرچه از نظر آنان، تغییر جنسیت در مورد افراد دوجنسی جایز است.

نتیجه آن که «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت» از محوری ترین مباحث مربوط به تغییر جنسیت است که میان فقیهان اسلامی، معرکه آرا و نظر است.

از اشکال های بنیادی کتاب «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» که مورد بررسی این مقاله است، عدم توجه به مباحثی است که در سطور بالا بیان شد. مناسب بود نویسنده محترم، با توجه به عنوان کتاب خویش، عبارت «جواز تغییر جنسیت» به عنوان کلید واژه مهم مورد توجه قرار می داد و آن گاه به مخالفان جواز تغییر جنسیت و ادله آنان توجه می کرد. با توجه به عنوان کتاب، این تلقی برای خواننده به وجود می آید که نویسنده محترم، «جواز تغییر جنسیت» را «پیش فرض» یا «اصل موضوع» خویش قرار داده، و آن گاه در پی بیان «مبانی» آن، یعنی همان «مستندات و ادله» این حکم شرعی است.

#### ۷-۱۱. احکام فقهی مکلف پس از تغییر جنسیت

نویسنده محترم آورده: «احکام فقهی مکلف پس از تغییر جنسیت»، (محمد تقی زاده، ۱۳۹۶، ۱۹۲ - ۲۱۲). در فقه منظور از «احکام»، احکام خمس، تکلیفیه است؛ یعنی: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح. در مقابل احکام تکلیفی، «احکام وضعی» یا همان آثار فقهی قرار دارد؛ مثل: صحت و بطلان. نویسنده محترم در این قسمت مباحثی همچون: تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج، مهریه، عده، ارث و عناوین خانوادگی آورده است. بر این اساس، مناسب بود عنوان این قسمت این گونه می بود: «آثار فقهی تغییر جنسیت».

اشکال دیگر آن است که اساساً بیان «آثار فقهی تغییر جنسیت» خروج موضوعی است و ارتباطی با عنوان کتاب؛ یعنی: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت» ندارد. با توجه به عنوان کتاب، نویسنده محترم باید درصدد بیان مبانی فقهی، یا همان

«مستندات و ادله مسأله جواز تغییر جنسیت» باشد. به عبارت دیگر، محور بحث، «حکم تغییر جنسیت»، یعنی جواز یا عدم جواز است، نه «آثار تغییر جنسیت».

#### ۷-۱۲. تعریف اصطلاحی تغییر جنسیت

نویسنده محترم مشخص نمی کند که منظور ایشان از «اصطلاح» چه اصطلاحی است: آیا «اصطلاح فقه» یا «اصطلاح حقوق»، یا «اصطلاح پزشکی»، یا «اصطلاح روان پزشکی» و یا حتی «اصطلاح عرف». بدیهی است که تعریف تغییر جنسیت در اصطلاحات مختلف، دارای معانی گوناگون می باشد.

#### ۷-۱۳. خنثی در لغت فارسی

نویسنده گرامی تلاش می کند که واژه خنثی را در کتب لغت فارسی، عربی و انگلیسی نمایان سازد؛ در حالی که در ذیل بحث «خنثی در لغت فارسی»، این واژه را از کتب لغت انگلیسی و حتی عربی نیز توضیح می دهد (همان، ۲۰).

#### ۷-۱۴. پرسش های اصلی کتاب: بی پاسخ یا خارج از موضوع بحث

نویسنده محترم در مقدمه اثر خویش، در باره پرسش های اصلی کتاب خویش چنین می گوید: «اهم سؤالاتی که این کتاب در پی یافتن پاسخی برای آنها هست، عبارتند از: آیا هر شخصی اجازه دارد که جنسیت خود را تغییر دهد؟ فرایند تغییر جنسیت در فقه و حقوق چیست؟ تشخیص موضوع در تغییر جنسیت بر عهده ی کیست؟ راه حل هایی که قواعد فقهی در خصوص این موضوع در اختیار ما می گذارند کدامند؟» (همان، ۱۴).

با توجه به آن چه گذشت، نویسنده محترم در مجموع چهار پرسش مهم مطرح می کند که به نظر می رسد لااقل در برخی از آنها، تأمل وجود دارد؛ چه این که نویسنده به پرسش اول در کتاب خویش پاسخ نمی دهند. پرسش دوم اشتباه طرح شده است؛ چون «فرایند تغییر جنسیت» یک «مسأله پزشکی» یا مربوط به «روان پزشکی» است. هیچ گاه «فرایند تغییر جنسیت» در فقه و حقوق مورد بررسی قرار نمی گیرد. «فرایند» یعنی «مراحل به وجود آمدن»، یا «مجموعه ای مشخص و مرتب شده از فعالیت های کاری در یک محدوده زمانی و مکانی معین». با این توضیح معلوم می شود که فقه و حقوق هیچ گاه متکفل بررسی «فرایند عمل جراحی تغییر جنسیت» نیست، بلکه جایگاه این مطلب، در دانش پزشکی یا روان پزشکی است. البته نویسنده محترم می تواند بگوید: فرایند بحث تغییر جنسیت در فقه و حقوق چیست؟ که این امر، همان بحث «تاریخچه تغییر جنسیت» است که اساساً «تاریخچه یک بحث علمی» هیچ گاه نمی تواند به عنوان «سؤال اصلی» آن بحث علمی باشد.

#### ۷-۱۵. عدم توجه به انواع تغییر جنسیت، مخصوصاً بیماران ترانس

در بحث «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت»، هیچ گاه نمی توان حکم این مسأله را بدون توجه به اقسام این پدیده بیان کرد. نویسنده در بررسی های خود در این کتاب تنها به دو قسم از اقسام کسانی که خواهان عمل جراحی تغییر جنسیت هستند، اشاره کرده است، در حالی که تغییر جنسیت دارای مصادیق و حالات مختلف است. در برخی موارد، بیماران دوجنسی یا خنثی ها، تن به عمل جراحی می دهند. در مواردی بیماران ترانس، خواهان تغییر جنسیت هستند. گاه افراد به دلیل مخفی بودن آلت تناسلی در حفره شکمی و مخفی بودن حقیقت جنسی شان، مجبور به عمل جراحی هستند. نیز گاه همجنس بازان خود را به عنوان «ترانس» معرفی کرده و در پی عمل جراحی تغییر جنسیت هستند. بنابراین، حکم هر یک از این مصادیق با یکدیگر متفاوت بوده و نمی توان به طور کلی، حکم به جواز یا عدم جواز داد.

در این میان، «بیماران ترانس» مهم ترین بخش مربوط به تغییر جنسیت را تشکیل می دهند. این عده در ظاهر جنسیت مردانه یا زنانه دارند، اما به لحاظ روحی و روانی، خود را متعلق به جنس مخالف می دانند. (قضایی، ۱۳۷۳، ۵۶۸؛ گودرزی، ۱۳۷۷، ۱۲۱۹/۲). متأسفانه دانش پزشکی از حل مشکل روحی این عده ناتوان است و تاکنون راه حل دارویی یا روان درمانی برای این عده بی فایده بوده است. تنها راه حل پیشنهادی پزشکان، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت است که این امر هم مشکلات خاص خود را داراست. جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در مورد این عده، معرکه آرا فقیهان و دانشمندان شیعه و اهل سنت است.

#### ۷-۱۶. عدم توجه به «تغییر کروموزم ها» و «تغییر ژن ها»

مناسب بود نویسنده محترم، برای تبیین هر چه بهتر اصطلاح «تغییر جنسیت»، تفاوت آن را با اصطلاحات مشابه و دخیل بیان می کرد؛ مانند: «تغییر جنسیت» و تفاوت آن با «تعیین جنسیت» و «اصلاح جنسیت»؛ نیز تفاوت «تغییر جنسیت» با «تغییر کروموزم ها» و یا «تغییر ژن ها». اصطلاحات بیان شده، از واژه های مهم و دخیل در بحث تغییر جنسیت می باشند.

#### ۷-۱۷. عدم توجه به ادله معتقدین به حرمت تغییر جنسیت

با توجه به عنوان کتاب مورد بحث؛ یعنی: «مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت»، مناسب آن بود که نویسنده محترم به دلیل های کسانی که به «حرمت تغییر جنسیت» معتقد هستند، اشاره می کرد. این مطلب از مباحث کلیدی محسوب می شود. کسانی که مخالف عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت هستند، به دلیل هایی استناد کرده اند؛ مانند: «حرمت تغییر جنسیت به دلیل رواج همجنس بازی»، (محمد کنعان، ۲۰۰۰م، ۲۸۵)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل از بین رفتن اعضای اصلی بدن و ایجاد نقص»، (مدنی تبریزی، ۱۴۱۸ق، ۴۳/۱ - ۴۵)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل عدم امکان آن»، (مدنی تبریزی، ۱۴۱۸ق، ۴۲/۲ - ۴۷)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالفت با فطرت الاهی»، (محمد کنعان، ۲۰۰۰م، ۲۸۴)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالفت با مصالح عمومی»، (کاتوزیان، ۱۳۷۲ش، ۱/ ۱۷۵)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت نگاه و لمس عورت نامحرم»، (کریمی نیا، ۱۳۸۹ش، ۲۴۳)؛ «حرمت تغییر جنسیت به دلیل ایجاد ناباروری»، (همان، ۲۴۷).

#### ۸. نتیجه گیری

مسأله «جواز تغییر جنسیت یا عدم آن» معرکه آرا میان فقیهان اسلامی است. برای تبیین جواز یا عدم جواز عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، به اقسام این پدیده نوپیدا توجه کرد، در غیر این صورت، اظهار نظر در این باره، نوعی «کلی گویی» است. در مورد بیماران دوجنسی، که در لسان فقه از آنان به «خنثی» یاد می شود، تقریباً تمام فقیهان شیعه و اهل سنت، به جواز عمل جراحی معتقدند. در خصوص بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی، یا همان ترانس ها (ترانجسیتی ها)، امام خمینی و حدود ده نفر از فقیهان و مراجع تقلید معاصر، به «جواز تغییر جنسیت» معتقدند، در مقابل، عده دیگری از فقیهان معاصر شیعه و نیز تمامی فقیهان اهل سنت که در این باره اظهار نظر کرده اند، به «عدم جواز تغییر جنسیت» معتقد شده اند. از نظر امام خمینی و شاگردان ایشان، هیچ دلیل قانع کننده ای از کتاب و سنت مبنی بر حرمت عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت وجود ندارد؛ البته این جواز به صورت «جواز مشروط» است. به عبارت دیگر، حداقل با دو شرط، تغییر جنسیت جایز است: اول آن که بیمار دارای اضطراب و ضرورت برای این عمل جراحی باشد و چنان چه راه درمان دیگری برای وی وجود

داشته باشد، مجاز به عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت نیست. شرط دوم آن است که شخص با عمل جراحی، حقیقتاً به «جنس مقابل» تبدیل شود. عمل جراحی ناقص، در واقع، «تنقیص جنسیت» است نه «تغییر جنسیت».

## منابع

۱. الجیزانی، محمد بن حسین (۲۰۰۸م).؛ فقه النوازل، دمام «عربستان سعودی» و قاهره، دار ابن الجوزی، چ اول.
۲. خمینی، روح الله (۱۳۶۸)؛ الف: تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، ۲ جلد، چ ششم.
۳. قضایی، صمد (۱۳۷۳ش).، پزشکی قانونی، تهران، دانشگاه تهران، چ اول.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲ش).؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران، مدرس، چ دوم.
۵. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۹ ش).؛ تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چ اول.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ش).؛ تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، تهران و قم، نشر عروج (مرکز نشر آثار امام خمینی)، چ اول.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ش).؛ الف. مقاله: «احکام و آثار تغییر جنسیت از منظر امام خمینی»، دو فصلنامه مطالعات زنان و خانواده، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۳ - ۱۲۴.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ش).؛ ب. مقاله: «فقه پدیده های نوپیدا در بوته نقد و بررسی»، مجله نقد کتاب فقه و حقوق، ش ۸، زمستان ۱۳۹۵ش، ص ۹۳ - ۱۱۲.
۹. گودرزی، فرامرز (۱۳۷۷ش).؛ پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۲ جلد، چ دوم.
۱۰. محمدتقی زاده، مهدیه (۱۳۹۶ش).؛ مبانی فقهی و حقوقی جواز تغییر جنسیت، مجد، چ اول.
۱۱. محمد کنعان، احمد (۲۰۰۰م)، الموسوعه الطبیه الفقهی، بیروت، دارالفائس، چ اول.
۱۲. مدنی تبریزی، سید یوسف (۱۴۱۸ق).؛ المسائل المستحدثه، قم، دفتر آیت الله مدنی تبریزی.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ش).؛ استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۷ق).؛ دراسات فی المکاسب المحرمه، قم، مکتبه منتظری.
۱۵. <http://www.modares.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۱۹&pageid=۵۹۱۵&newsview> ۲۳۶۶).